

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

احمد مزارعی
۱۴ اپریل ۲۰۱۴

چه کسانی و چرا می خواهند به رضا شهابی جایزه "رها" و یا طوق بردگی بدهند.

نُخورد شیر نیم خورده سگ گر به سختی بمیرد اندر غار (سعدی)

اخیراً مرکز "رها" که در اتریش فعال و ظاهراً غیر دولتی است تصمیم گرفته برای احترام به "حقوق بشر" به کارگر فعال ایرانی رضا شهابی جایزه بدهد، دولت اتریش چند سال پیش در مقابل قراردادی ششصد میلیون دلاری با رفسنجانی، زمینه امنیتی قتل عبد الرحمن قاسملو و همراهانش را فراهم کرد و حتی امکان داد که قاتل نیز به راحتی فرار کند و همین دولت در مورد قتل حمید رضا چیتگر از همکاران زنده یاد شاملو در انتشار مجله هفتگی "جمعه" در اوایل انقلاب و از اعضای قدیمی سازمان توفان، که در پایتخت اتریش توسط تروریستهای جمهوری اسلامی به قتل رسید نیز اقدامی برای شناسایی به موقع قاتل انجام نداد. حال چگونه این دولت مدافع حقوق بشر شده است؟

خانم شیرین عبادی که مدتی بود امریکاییها برای دستبوسی «دالا یلا ما» این مزدور سی. ای. ا. و خاخامهای صهیونیست او را به اینجا و آنجا می بردند، اکنون وادارش کرده اند تا به رضا شهابی کارگر ایرانی جایزه "رها" بدهد آیا این جایزه یک بازی سیاسی و برای لوٹ کردن جنبش کارگری ایران نیست؟ جنبش کارگری ایران با سابقه ای بیش از یکصد سال و گذر از فراز و نشیبهای فراوان اکنون به قدرتی تبدیل شده که نمی توان آن را به آسانی سرکوب نمود، ورژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی علی رغم همه ترفندهایش نتوانسته است این طبقه بالنده را از حرکت باز بدارد، از این نظر پیشگامان این جنبش نباید خود را وارد بازیهای سیاسی مؤسسات بیگانه کنند که موجب خدشه دار شدن اعتبار سیاسی آنان شود. هشدار که این جایزه هدفی جز به بند کشیدن جنبش کارگری ایران در چهار چوب مناسبات لیبرالیستی ندارد.

در بیشه* گمان مبر که خالیست شاید که پلنگ خفته باشد

طبقه کارگرایران و تاریخ پر افتخار این جنبش به هیچ عنوان بیدی نیست که با این بادهای بلرزد و نباید تسلیم توطئه و فریبکاری بیگانگان گردد. نزدیک به یکصد و ده سال از اولین اعتصاب کارگران چرمسازی تبریز می گذرد طی این دوره طولانی جنبش طبقه کارگر ایران به مانند رودخانه ای خروشان از فراز و نشیبهای فراوانی سرفرازانه گذر کرده و از میان خود رهبرانی مقاوم، صادق، شریف و فدا کار تا حد دادن جان پروریده که در راه آبادی، آزادی، عدالت و استقلال وطن عزیزمان ایران به مبارزه ای سر سختانه برخاسته اند. به یادشان داشته باشیم:

سید محمد دهگان، مهدی کیمرام، عباس کارگر چاپخانه که با گلوله مزدوران پهلوی شهید شد و مردم جسد او را بر دوش گرفته به مسجد بردند و برایش روضه عباس علمدار خواندند، علی امید که در رأس مبارزات کارگری سالهای بعد از ۱۳۲۰ به رهبری حزب توده قرار گرفت و در سالهای ۱۳۵۰ در فقر و فاقه شدیدی به سر برد در گمنامی جانسپرد، چندی پیش به مناسبت سالروز وفاتش مقالاتی در آمد اما نویسندگان مقالات مذکور با هدف خودی نشان دادن و سوء استفاده از وی مقاله نوشته و از این که علی امید در چه فقر و مسکنتی جان داد، ننگشان آمد بنویسند. کارگران دیگری که تا پای جان از منافع طبقه خود دفاع کردند و ارطان سالانیان بود که: " و ارطان سخن نگفت، سر فراز دندان خشم بر جگر خسته بست و رفت ". و ارمنی دیگری به نام آرسن آوانسیان بود که تسلیم جلادان شاه نشد و سرفرازانه در برابر چوبه اعدام در جواب دادستان گفت: " من کارگری هستم که جز دو بازوی خود سرمایه ای نداشتم و اکنون سعادت مندم که با همین سرمایه شرافتمندانه در راه مردم به گور می روم". هرودی اینان از اعضای حزب توده بودند.**

آری کارگران ایران در رژیم سرکوبگر کنونی نیز قربانیهای فراوان داده که آشکار ترین و وقیحانه ترین آن کشتار کارگران خاتون آباد شهر بابک بود که تا امروز هم جنایتکاران حاکم در ایران پاسخی به آن نداده اند. رضا شهابی بدون شک با این پشتوانه های عظیم و معتبر برای دفاع از مبارزات طبقه کارگر ایران و به قصد ایجاد تشکیلاتی که بتوان از طریق آن به خواسته های کارگران ایران جامه عمل پوشید، وارد میدان شده و تا امروز هم به خوبی ایستادگی کرده است.

وعده وعیدهای بیگانگان برای به انحراف کشیدن مبارزات کارگری ایران نخواهد توانست بر تاریخ این جنبش سایه افکند. پشتیبانان جنبش کارگری ایران تحت هیچ شرایطی نباید مسحور تبلیغات و ترفندهای بیگانگان گردند. اینروزها در خارج کشور عده ای که حیات و ممانشان به دست بیگانگان و همه سرمایه هایشان در برنامه های رادیو تلویزیون و سایتهای اینترنتی خلاصه می شود فرصتی به دست آورده تا مبارزات رضا شهابی با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را تبدیل به پیراهن عثمان کرده شاید از این "نمد کلاهی برای خود بیافند" از این نظر مبارزان جنبش کارگری ایران نباید به این سفلگان میدان دهند..

یادداشت:

* - این بیت بدین شکل نیز ثبت شده است:

هر پیسه گمان مبر که خالیست شاید که پلنگی خفته باشد

** - نباید فراموش نمود که در زمان مورد بحث، حزب توده تا آن زمان ننگ نوکری سوسیال امپریالیزم شوروی را

نپذیرفته و طوق رقیت و بردگی آن را به گردن نیاویخته بود

اداره پورتال AA-AA